

رساله در جواب سائلی (عن مسألتین)

السید کاظم الرشتی

النسخة العربية الأصلية



رساله در جواب سائلی از دو سؤال در باره دعا

من مصنفات

السید کاظم بن السید قاسم الحسینی الرشتی

جواهر الحكم، المجلد الثالث

شركة الغدير للطباعة والنشر المحدودة

البصرة - العراق

شهر جمادی الاولى سنة 1432 هجرية

بسم الله الرحمن الرحيم

قال : سؤال اول این است که در امر ادعونی استجب لكم که لفظ عام است و بهیچ گونه قیدی مقید نیست و هر چند دعا و تضرع میشود اثری ظاهر نمیشود با وجود آنکه داعی و سائل محمد و آل محمد علیه و علیهم السلام در غایت جد و جهد شفیع میکنند و در اموری دعا میکنند که لا بد منه (ظ) از برای سائل مثلاً استعاذه از شیطان و رفع وساوس صدر و طلب رتبه یقین و بکرات و مرات همین سؤال را رد مینماید و ساعت بساعت امر سخت میشود و شکوک و شبهات زیاد میشود و هر گاه میفرمایند که دعا را شرایط و اسباب است قطع نظر آنکه ما را فرموده اند که در جمیع احوال محمد و آل او را پناه بریم و هم در اول و در (ظ) آخر صلوٰة فرستیم باری باید آن جناب زحمت کشیده که جواب مسائل را شافی و کافی بفرمایند که قلب از اضطراب بیرون بیاید .

سؤال دیگر - جناب شما در شرح دعاء سمات در لفظ و للداعین باسمائك قول لفظ و قول کینونة میفرمایند که هر گاه بلفظ قولی بخوانند اجابت نمیشود مراد چه چیز است بیان فرمایند .



ORIGINAL

جواب سؤال اول در سؤال دوم است بیانش این است که انسان را دو لسان است لسان حال و لسان مقال اما لسان حال عبارت از اقتضاء ذات شخص است باعتبار امور و عوارض ذاتیه و غریبه احکام وارده بر آن را و لسان مقال الفاظی که بآن تلفظ میکنند در اعراض و شئون خود و آن دو لسان هرگاه مطابق شد البته اجابت میشود اجابت لسان حال از واجبات است بعلم اینکه او اقوی است و او اصل است و لسان مقال فرع لسان حال است و در حکمت تقدیم فرع بر اصل قبیح است چه در تقدیم آن اضمحلال اصل در مفروض مسأله لازم آید و اضمحلال اصل مستلزم اضمحلال فرع است پس اجابت لسان مقال مستلزم عدم اجابت لسانین است ، مثال آن هرگاه شخصی بیمار که مرضش از اشتداد مره صفره و هیجان حرارت باشد طلب کند بزبان خود اشیاء بارده را و تقاضای مبردات غیر ضاره نماید البته طبیب موافقت مسئول او معمول خواهد داشت در این صورت هر دو لسان مطابق و اجابت دفعه حاضر ، و اما هرگاه طلب حلویات و ادویه که سبب زیادتى صفره و هیجان حرارت میشود در این صورت لسان مقال مخالف لسان حال شده چه لسان حال طلب میکند مبردات و ادویه دافعه صفره مثلاً و لسان مقال بعکس ، چون هرگاه طبیب مشفق مراعاة لسان مقال نماید هلاکت شخص در آن متصور است پس واجب است اجابت لسان حال و ترك اجابت لسان مقال ، در این وقت هر قدر که تضرع نماید و هر کس را شفیع کند از مطلوب خود چیزی محصل نیابد بل شفعاء او هرگز راضی باجابت این سؤال نخواهند شد پس هرگاه بخوانی او را بموافقت لسانین و این در صورتیست که داعی در حین دعا بسر فؤاد متوجه حضرت رب العباد شود بحیثی که خود و حاجه خود را فراموش کند از مبدأ وجود تا آخر مرتبه شهود خود مستغرق بحر توحید گردد و آنجا است سر یا سبب کل ذی سبب و مسبب الاسباب من غیر سبب و شرح این کلام مستودع قلبیست پس حاجت سائل در همان وقت بمعرض اجابت آید ، اما هرگاه بخوانی او را بلسان مقال دون لسان حال و توفیر شرایط مستجاب میشود یا در همان وقت و یا تأخیر میافتد در دنیا و یا در آخرت و یا هیچ مستجاب نمیشود و مخالفت لسان حال با لسان مقال در شیعه موافقین در نزد خلط و لطح ایشان است در عالم ذر و در عالم دنیا و در عالم طبیعت با طینت مخالفین و اعداء و باصل صفاء طینت خود طلب میکند و بجهت خلط حاصل نمیشود و خدای تعالی هر چند قادر است بر احداث و ایجاد اشیاء بلا واسطه و لکن حکمت و مصلحت اقتضا کرد که اشیاء را بحسب اسباب اجراء نماید پس داعی هر چند صفای قلب و رفع وساوس شیطان از حق طلب میکند بحسب صفای ذات و فطرت و لکن فطرت ثانیه معوجه قابل او نیست گاهیست که اشر است برایش از این حالت که دارد چه در این حالت دایم خود را ذلیل و خوار و خاضع و مقصر میداند و بهمین درجه اهل جنات و ثواب ایشان را تحصیل میکنند بخلاف آنکه مبرا از همه شکوک و شبهات شود و باب یقین بر او منفتح شود چه ایمن نیست از اینکه همچو بلعم بن باعور فاسد گشته از دین برگردد پس عز و جل چون طبیب مشفق و مهربان با تو سلوک میکند تو دعا کن در هر حال که سؤال میکنی دست از سؤال و طلب بازمدار که او سبحانه آنچه اصلح است با تو چنان میکند و این ادعوی استجب لکم چه در این صورت اجابة لسان حال و کینونه است نه لسان مقال و کم کم انشاء الله بنیه نضج پیدا کرده لسانین موافق گشته بتوفیق الله سبحانه در ساعت ظاهر شود ، والسلام علی من اتبع الهدی .